

آداب و رسوم اجتماعی مردم بدخشان

سید رضا مهدی نژاد^۱

سید محمدباقر موسوی^۲

چکیده

سرزمین بدخشان، در شمال شرق افغانستان واقع شده، یکی از استان‌های بزرگ و مهم کشور افغانستان است. این استان با کشورهای چین، تاجیکستان و پاکستان هم‌مرز است. در آن سرزمین اقوام، گروه‌ها با مذاهب مختلف اسلامی به صورت مسالمت‌آمیز کنار هم زندگی می‌کنند. با وجود اینکه درباره بدخشان و فرهنگ آن کتاب‌های وجود دارد؛ اما در مورد آداب و رسوم اجتماعی کتاب یا مقاله‌ای به صورت منظم و منسجم یافت نشد و خلأ موجود نگارنده را بر آن داشت به نگارش مقاله‌ای با روش کتابخانه‌ای، توصیفی - تحلیلی و با مراجعه به منابع معتبر به آداب و رسوم اجتماعی مردم بدخشان بپردازد. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که مردم بدخشان علاوه بر اهتمام به اعیاد ملی و مذهبی دینی رایج در کشور دارای آداب و رسوم ویژه از جمله در نوروز، جشن دهقان، سرگرمی‌های زمستانه و دارای نگرش خاص به زن و خانواده است.

واژگان کلیدی

آداب، رسوم، آداب و رسوم اجتماعی، بدخشان، مردم بدخشان.

۱. عضو هیئت علمی جامعه المصطفی (ص) العالمیه.

۲. دانش پژوه دکتری تاریخ تمدن اسلامی، جامعه المصطفی (ص) العالمیه.

مقدمه

بدخشان یکی از کهن‌ترین شهرهای است بوده است این خطه با داشتن لعل و لاجورد و طبیعت زیبایش زینت‌بخش متن‌های ادبی حکمروایان شعر و ادب بوده و دارای آداب و رسوم اجتماعی می‌باشد که آن را از دیگر مناطق متمایز کرده است. آداب و رسوم هر ملت در سرنوشت آن نقش اساسی و غیرقابل‌انکار دارد. مردم بدخشان هم از این امر مستثنا نبوده با شناخت آداب و رسوم زمینه شناخت آنان فراهم می‌شود و با شناسایی نقاط ضعیف و قوت آنان را افزایش خواهد داد که می‌شود دست به اصلاح آن زد و برای حل مشکلات زمینه را آماده کرد. هر ملتی به آداب و رسوم خود پایبند است که بدون شک در ایجاد آداب و رسوم جامعه خود نقش پررنگی خواهد داشت. (شریعتی فوکالایی، ۱۳۸۸: ۱۶۱)

بدخشان اهمیت ویژه‌ای در منطقه دارد. در این سرزمین گروه‌های مختلف قومی، زبان‌ها و مذاهب مختلف در کنار هم و عموماً در صلح زیسته‌اند. این گروه‌ها هرکدام دارای سنن و عادات، گویش‌ها و فراورده‌های فرهنگی ویژه خود بوده است. آن‌ها در کنار هم زیسته‌اند و بر یکدیگر تأثیر گذاشته‌اند. شاید به همین سبب بود که ناصر خسرو هنگامی که از سوی خلیفه فاطمی رتبه «حجت خراسان» یافت از تمام قلمرو بزرگ خراسان بدخشان را انتخاب کرد و در دره زیبای یمگان سکنی برگزید و به تبلیغ آیین خویش پرداخت و بنا بر قول خودش با امیر بدخشان ارتباط و مراوده و مفاهمه داشته است و کتاب جامع الحکمتین را نیز برای امیر بدخشان نوشت. از نظر قوم شناختی بخش بزرگی از بدخشان را فارسی‌زبانان تشکیل می‌دهند که تاجیک خوانده می‌شوند. (اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۸: ۲۳۴۵) مناطق دور از دسترس بدخشان به‌خصوص در پامیر زبان‌های بومی خود را از گذشته‌های دور حفظ کرده‌اند بدین ترتیب موزه‌ای از زبان‌ها را در آن مناطق شکل داده‌اند زبان مشترک بین بدخشانیان زبان فارسی است بدخشان کمتر پذیرای اقوام مهاجر بوده است. بدخشان همواره یکی از مراکز رشد رونق زبان فارسی بوده است.

الف) واژه‌شناسی

با توجه به این که واژه‌های کلیدی نقش اساسی در فهم مطالب و منظور پژوهشگر دارند به نظر می‌آید بایسته آن است که پیش از هر چیز واژه‌های اساسی پژوهشی تعریف و منظور به ترتیب تبیین و روشن گردد.

۱- آداب

آداب در اصطلاح صوفیه مجموعه قواعد و رسوم و وظایفی است که رعایت آن‌ها لازم است. (موسوی بجنوردی، ج ۱، ۱۳۷۴: ۱۸۵) آداب ناشی از رسم است و هدف از رسم عملی است که از قدیم به خاطر مصلحتی به وجود آمده است و اکنون به همان دلیل در جامعه وجود دارد و برای خوشامد دیگران انجام می‌شود. آداب در جوامع مختلف و شاید در میان قبیله‌های مختلف امکان دارد متفاوت باشد. (قائمی، ۱۳۷۵: ۳۳) آداب و رسوم از نظر جامعه‌شناسی زیرمجموعه فرهنگ می‌باشد و هر ملت از آن برخوردار است هیچ مردمی را نمی‌توان پیدا کرد که آداب و رسوم نداشته باشد ولی آداب و رسوم در هر منطقه و محلی تفاوت دارد مردم بدخشان نیز دارای آداب و رسوم هستند که با تعامل با دیگر اقشار به وجود آمده‌اند و طی سال‌های متمادی از نسلی به نسل دیگر انتقال یافته و امروزه مورد استفاده در روابط اجتماعی قرار می‌گیرند.

۲- رسوم

رسوم از نظر جامعه‌شناسی زیرمجموعه فرهنگ است و هر ملت از آن برخوردار است هیچ مردمی را نمی‌توان پیدا کرد که آداب و رسوم نداشته باشد ولی آداب و رسوم در هر منطقه و محلی تفاوت دارد مردم بدخشان نیز دارای آداب و رسوم هستند که با تعامل با دیگر اقشار به وجود آمده‌اند و طی سال‌های متمادی از نسلی به نسل دیگر انتقال یافته و امروزه مورد استفاده در روابط اجتماعی قرار می‌گیرند. (رضایی، ۱۳۸۴: ۱۲) رسم عملی است که در قدیم به خاطر مصلحت به وجود آمده و فعلاً به همان دلیل در جامعه وجود دارد و برای خوشامدی انجام می‌شود. (قائمی، ۱۳۷۵: ۳۲)

۳- اجتماع

اجتماع از نظر لغوی اسم فاعل و به معنای گردآورنده، فراهم‌کننده و جمع‌کننده است. در اصطلاح عبارت است از مجموعه‌ای از افرادی که با آداب و رسوم و سنن خاص به همدیگر پیوند خورده و زندگی جمعی دارند. (شان تو، ۱۳۹۷: ۶)، اجتماع به معنای گردآمدن، جمع شدن، گرد هم‌آیی، گروهی که با یک هدف مشترک جمع شده‌اند. (انوری، ج ۱، ۱۳۸۲: ۹۰) اجتماع جمع شدن، دورهم آمدن، فراهم آمدن، به هم پیوستن انجمن شدن. اجتماعی منسوب به اجتماع کاری یا چیزی که به همگان تعلق داشته باشد، آنچه مربوط به گروهی از مردم باشد. (عمید، ۱۳۶۰: ۸۴) از انضمام یک چیز به چیزی دیگر تعبیر به اجتماع می‌شود. (مصطفوی، ج ۲، ۱۳۷۴: ۱۰۷)

اجتماع یعنی ضد افتراق. (طریحی، ج ۴، ۱۹۸۵:۳۱۴) اصطلاح اجتماع از زبان عربی گرفته شده است به معنای انبوهی، جماعت، اشتراک وفاق عمومی و همانند زیستی گروهی گیاهان یا جانوران در یک منطقه با شرایط مساوی به کار گرفته شده است. (آراسته خو، ۱۳۷۰:۷۴) از نظر جامعه‌شناسی اجتماع به گروهی از افراد اطلاق می‌گردد که پیوند قوی و بادوام میان آن‌ها وجود داشته باشد و مشارکت و فعالیت منظم داشته باشند. شارع پور، ۱۳۸۶:۱۱) اجتماع عبارت است از گروهی از مردم که در یک مکان خاص جغرافیای سکونت دارند و دارای فرهنگ و شیوه زندگی مشترک داشته باشند و یک هدف را پیگیری و دنبال می‌کنند. (محسن رضا، ۱۳۹۴:۱۲) هر کشور یا شهری دارای آداب و رسوم خاصی است که با شرایط زندگی همان شهر ایجاد شده است اما در کل اصول و مبانی مشترک برای اخلاق و رفتار انسان‌ها وجود دارد که اهمیت دادن به آن آداب در آن جامعه باعث موفقیت و ارتباط اجتماعی آن مردم می‌شود. بنابراین اجتماع یعنی نزدیک شدن و کنار هم آمدن مجموعه انسانی یا غیر انسانی در محل یا مکان واحد. در قرآن برای بیان کردن اجتماع انسان از لفظ غیر از اجتماع مانند شعوب، قبیله، قوم، قریه، امت و طائفه استفاده شده است که هر کدام دلالت بر اجتماع می‌کنند. جامعه عبارت است از انسان‌های که در یک سلسله نیازها و عقیده‌ها و آرمان‌ها باهم ادغام شده‌اند و زندگی مشترک دارند. (مهاجر نیا، ۱۳۹۳:۱۱۳)

بدخشان

بدخشان، به نام‌های، بدخشان و بلخشان متصل به ترکستان شرقی نیز یاد شده، (عمید، ۱۳۷۸:۲۸۵) واژه بدخشان به همین شکل یا نزدیک به آن در منابع کهن، پارتی، اوستای، فارسی، مانوی، هخامنشی پهلوی، ساسانی و در هیچ‌یک از منابع زبان‌های ایران باستان نیامده است. سابق‌ترین نام که از بدخشان در منابع معروف است آن سفرنامه‌های راهبان بودائی چنین است که به قرن هفتم و هشتم میلادی برمی‌گردد که در آن‌ها از بدخشان بانام‌های پو، تئوت، چونگه، توک، تسئونگ و پاتئو ذکر کرده‌اند. مارکوپولو نیز بدخشان را بلیش و بدشین ثبت کرده است، از قدیمی‌ترین قول‌ها که از مارکوارت است نام این سرزمین را اخذ شده از سنگ معروف آن بلخش یا بدخش می‌دادند. (معزی، ۱۳۹۵:۴۵)، این خطه در قرون وسطی در سراسر جهان اسلام شهرت داشت. (دهخدا، ۱۳۴۱)، برخی نیز بدخشان را پشت‌خوارگر اوستایی به معنای راه دشوار گذر دانسته‌اند. بعضی آن را برگرفته از واژه بیدخش صورتی از کلمه پادشاه معنا کرده‌اند از قدیم نام شاه یا فرمانروا بر یک منطقه داشته است. جایگاه شاه در بدخشان به نظر می‌رسد از آیین

بزرگداشت نیاکان گرفته شده باشد بر این اساس بدخشان «بدخش» می تواند به سرزمین پادشاه معنی کرد. بدخشان از واژه خشن مأخوذ از سنگ معروف آن منطقه می باشد. بدخشان در زمان های قدیم محل عبور و گذرگاه بازرگانان و کاروان های از آسیای مرکزی به هند و چین بود، کاروان های از طریق راه ابریشم رفت و آمد می کردند. بدخشان منطقه ای که معمولاً دارای خودمختاری سیاسی بوده است. (بدخشی یمگی، ۱۳۸۵: ۲) بدخشان منطقه ای است قدیمی در دره علیای دریای آمو این شهر از زمان های گذشته مرکز اجتماع اقوام ایرانی بوده است. بدخشان را به صورت بلخشان نیز خواندند شهری است به ترکستان محدود می گردد. (قطغان، ۱۳۸۵: ۳۸۴)

ب) اهداف و اهمیت تحقیق

با توجه به اینکه بدخشان از شهرهای مهم افغانستان هم مرز با کشورهای چین، تاجیکستان و پاکستان می باشد و در آن گروه ها و مذاهب مختلف زندگی می کنند. در ضرورت این تحقیق همین بس که تا جای که دنبال نمود تاکنون کتاب، رساله و تحقیق مستقل و منسجم درباره آداب و رسوم اجتماعی مردم بدخشان نگارش نیافته است البته در مورد بدخشان کتاب های به رشته تحریری درآمده ولی به صورت مستقل چیزی به عنوان آداب و رسوم اجتماعی مردم بدخشان هنوز صورت نگرفته است؛ بنابراین نگارنده تلاش می کند به گوشه ای از آداب و رسوم مردم آن سرزمین باستانی اشاره نموده و گام مؤثر و مفید درباره آداب و رسوم اجتماعی مردم بدخشان بردارد. شناساندن و معرفی آداب و رسوم مردم بدخشان است که تاکنون از نظر محققان و نویسندگان غافل مانده است و درباره آداب و رسوم اجتماعی مردم بدخشان تاکنون کار منسجم و منظمی انجام نگردیده است.

ج) بررسی آداب و رسوم اجتماعی در بدخشان

در این قسمت از پژوهش به مهم ترین و منحصرترین آداب و رسوم اجتماعی رایج در بدخشان به ترتیب اولویت، پرداخته خواهد شد.

۱- تجلیل از نوروز

نوروز، میراث و جشن بزرگ آریایی ها، جشن ملی منطقه نماد اتحاد است. اولین روز سال به نام نوروز می باشد که آن را به عنوان یکی از زیباترین و بزرگ ترین جشن ملی و ارزشمند هر ساله باشکوه از آن تجلیل می کنند و مردم در آن شرکت می نمایند. نوروز به مثابه آغاز سال همراه با

آرزوها و امید فراوان است و انسان را به آینده خوب و فرح بخش دل بسته می کند، ذوق انسان را به زندگی و کار زیاد می کند. مردم معتقدند که دوام سال نو در طبیعت و حیات جامعه رونمایی می شود. نوروز نماد پاکیزگی و رستگاری و رهای از بند پلیدی ها و زشتی ها است، روز دعا کردن به روح اموات و گذشتگان است. مردم معتقدند که اگر نوروز را با پاکی و نشاط و شادی استقبال کنند تا آخر سال برایشان خوشی و برکت خواهد بود. (عابدوف، ۱۳۹۵: ۴۴) درباره تاریخ دقیق پیدایش نوروز نمی توان اظهار نظر کرد، چون روایات گوناگونی در این مورد وجود دارد و نظر دادن در مورد آن سخت است. عده ای بر این باورند که نوروز در زمان پادشاهی جمشید به وجود آمده است. نظر دیگر این است که کیومرث در این روزبه دنیا آمده است و نقل دیگر است که زرتشت در این روز زاده شد و او از طرف اهورامزدا در این روزبه پیغمبری انتخاب شده است بنابراین می توان نتیجه گرفت که عید نوروز از زمان های قدیم از لحاظ مذهبی و ملی مورد ایرانیان احترام بوده است و به عنوان بزرگ ترین عید برای آن ها محسوب می شده است. (ذاکر زاده، ۱۳۷۳: ۲۵۰)، نوروز بعد از اسلام نیز مورد احترام بوده و روایاتی در این باره وجود دارد علامه مجلسی از امام صادق (ع) نقل کرده است که فرمود: در این روز کشتی حضرت نوح پس از طوفان بر کوه جودی قرار گرفت، در روز نوروز جبرئیل بر پیامبر (ص) نازل گردید و پیام خداوند را به آن رساند، در همین روز پیامبر (ص) بت های کفار را در مکه شکست و امام علی (ع) در همین روزبه جانشینی پیامبر برگزیده شد. نوروز از بزرگ ترین اعیاد است. جشن طبیعت و تجدید زندگی است عید نوروز از قدیم مورد احترام بوده و پیدایش آن را به جمشید نسبت می دهند. (رضی، ۱۳۹۱: ۳۳)

مردم بدخشان نوروز را با دعا شروع می کنند مخصوصاً دعای تحویل سال «مُقَلَّبَ الْقُلُوبِ وَ الْأَبْصَارِ يَا مُدَبِّرَ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ يَا مُحَوِّلَ الْحَوَالِ وَالْأَحْوَالِ حَوِّلْ حَالَنَا إِلَى أَحْسَنِ الْحَالِ» (مجلسی، ج ۸۴، ۱۴۰۳: ۸۲)، زیارت اهل قبور، صله رحم، دیدوبازدید در ایام نوروز که چند روز تعطیل است صورت می گیرد. رفع کدورت ها و دادن هدیه از دیگر آداب مردم بدخشان در نوروز است.

نوروز یکی از جشن های مهم آریاییان است که از عصر باستان تا امروز در کشورها و مناطق فارسی زبان حفظ شده است که این جشن ملی منطقه ای نماد همبستگی اقوام و ملت های حوزه تمدن آریای است و هرساله باشکوه برگزار می شود. (حصاریان، ۱۳۹۲: ۱۷)

روز نوروز بانام های عید، جشن فروردین عید نوروز، جشن بهار، نور ورز جمشیدی و نوروز جلالی مشهور است. در نوروز شادی ها و عروسی ها برپا می شوند طبق تحقیقات محققین نوروز

یک آیین باستانی و فراگیر و نو شدن سال و تغییرات طبیعت از حال به حال دیگر در بین اقوام آریای بوده است. (بلوک باشی، ۱۳۸۰: ۱۸) نوروز به معنای روز نو است، اولین روز فروردین که آفتاب به برج حمل می‌رسد نوروز است. (جوادی آملی، ۱۳۹۴: ۷۶۴، ۱۸۲) واژه نوروز یعنی روز نو، عید اول سال، روز اول فروردین که جشن ملی ایرانیان است. روزی که آفتاب به ماه حمل انتقال یابد، اولین روز اولین ماه خورشیدی به نوروز در آثار پهلوی اشاراتی شده است که آن را آفرینش انسان می‌دانند. (حصاریان، ۱۹)

یکی از رسم آیین نوروز در بدخشان شستشوی فرش‌های خانه و از بین بردن گردوغبار قبل از آمدن نوروز و برگزاری مسابقات مانند کشتی‌گیری، بزکشی در ایام نوروز است، غرس نهال فرستادن تبریکی به دوستان و آشنایان از آداب آن می‌باشد.

حکمت انتخاب اول ماه فروردین یا حمل به عنوان نوروز و آغاز سال از طرف آریاییان قدیم در این است آنان نخستین روز حمل را هم‌زمان با حرکت جنبش گیتی و پا گرفتن زندگی هستی و طبیعت دانسته و آغاز پادشاهی کیومرث و بر تخت نشستن وی را در اول فروردین می‌دانند. چنانکه فردوسی در این مورد سروده است.

چو آمد به برج حمل آفتاب	جهان گشت بافر و آیین و آب
بتابید از آن سان ز برج بره	که گیتی جوان گشت از آن یکسره
کیومرث شد بر جهان کدخدای	نخستین به کوه اندرون ساخت جای. (همان)

درباره نوروز چنین نقل شده است که نخستین روز دادخواهی جمشید روز اول فروردین بود پس آن روز را نوروز نام گذاشتند و تاکنون سنت جمشید است. (جاوی، ۱۳۸۳: ۲۱) این روز را نوروز گویند چون که اول سال است روز با شب است. خراج‌ها در این روز افتتاح شدند. جمشید به طرف جنوب رفت و با دیوان و سیاحان جنگید و آنان را شکست داد و غنائم فراوان آورد که قصر پر از طلا و جواهر شد همه آن‌ها را می‌دیدند. (گردیزی، ۲۰۰۶: ۳۴۶) بر اساس روایت از امام صادق (ع) جبرئیل به پیامبر (ص) در همین روز نازل شده است حضرت ابراهیم نیز در این روز بت‌ها را شکست و خلقت عالم هستی برابر با این روز بوده است. در ایام نوروز نواهای خاص در خدمت پادشاه نواخته می‌شد که مختص همان ایام بوده و در بامداد نوروز مردم به همدیگر آب می‌پاشیدند و در شب نوروز آتش بر می‌افروختند. (بلخی، ۱۳۶۸: ۱۹)

علامه مجلسی از قول امام صادق (ع) نقل می‌کند که جشن نوروز، جشن آفرینش آدمیان است زیرا در آخرین روز سال آدم آفریده شد. شاید آریاییان به خاطر حفظ این روز باستانی بعد از

اسلام به آن رنگ مذهبی داده باشند. چنانچه احادیث از قول پیامبر (ص) در مورد نوروز روایت کرده‌اند. (جاوی، ۱۵) نوروز بعد از ظهور دین اسلام با آموزه‌های اسلامی همراه شده است لحظه تحویل سال مطابق تقویم جلالی آغاز سال است که ۳۶۵ روز و ۵ ساعت و ۴۸ دقیقه و ۴۶ ثانیه به طول می‌انجامد نزدیک‌ترین و علمی‌ترین و دقیق‌ترین سال شمسی جهان است. این تقویم در زمان ملک شاه سلجوقی به دست دانشمندان آن عصر به سرپرستی خیام نیشابوری آماده‌شده است.

سرودهای نوروزی و اشعار مبارک باد نوروزی در هر نقطه بدخشان با تفاوت‌های شکلی همراه است. (بنوال، ۱۳۸۹:۲۱) هر شاعر ابیات دل خواه خود را به‌عنوان سرود نوروزی سروده است. در برخی از نقاط بدخشان به‌ویژه نواحی اسماعیلیه نشین چون پامیر و شغنان نوروز با مراسم خاص تجلیل می‌شود. یکی از عادت‌های مردم بدخشان، در اکثر نقاط آن، در شب نوروز زینت دادن خانه‌ها و روشن کردن چراغ است و به آفتاب سوگند یاد می‌کنند. پیروان مذهب اسماعیلیه بدخشان به‌روشنی احترام خاصی قائل هستند. در مراسم چهارشنبه‌سوری از روی آتش می‌پرند و شادی می‌کنند. شب نوروز مردان و زنان به زیارت اهل قبور می‌روند قرآن می‌خوانند مردم فیض‌آباد مرکز بدخشان به زیارت میر غیاث‌الدین، زیارت میریاریک و به زیارت آرامگاه ناصر خسرو می‌روند. یکی دیگر از رسوم نوروز صلح و آشتی و رفع کدورت‌ها بین خانواده‌ها و اقوام است که اگر آزرده‌خاطری وجود داشته باشد در این روزبه صلح آشتی می‌انجامد و با خوشی و تفاهم روز را جشن می‌گیرند. در کل نوروز را در بدخشان جشن انسانی، جشن ملی و مذهبی و جشن خویشاوندی انسان با طبیعت، جشن سخاوت و مهربانی است. (حصاریان، ۴۹-۵۵) یکی دیگر از رسومات در نوروز، رسم نوروز خوانی و گل گردانی است که نوجوانان بین ده تا پانزده سال دورهم جمع می‌شوند و بارنگ آمیزی در کاغذ؛ گل‌های مصنوعی تهیه می‌کنند و آن را به‌صورت دسته‌جمعی با خود حمل و سرود و ترانه نوروزی توسط جوانان خوانده می‌شود و به در خانه‌ها می‌برند مردم هم به آنان هدیه نوروزی می‌دهند. (همان، ۶۷)

جشن نوروز یکی از قدیمی‌ترین جشن در کشور ما است که از زمان آریایی‌ها باقی‌مانده است، تجلیل از جشن بهار یا نوروز در فرهنگ و عنعنات بدخشان تاریخچه کهنی دارد که در گذشته‌ها رسم و رواج فراوان داشته است؛ از خانه‌تکانی از پختن انواع خوردنی‌ها تا شیرینی‌ها، از تهیه میوه‌های هفت‌سین نذرها همه در این جشن نوروز وجود داشته و دارد.

قبل از فرارسیدن نوروز مردم نظر به توان اقتصادی خود پارچه‌های را از بازار خریداری

می‌کنند و به دست خیاط می‌دهند تا لباس آنان را برای نوروز آماده کند در این ایام بازار پررونق می‌شود. چون مردم پوشیدن لباس نو و تمیز را در نوروز و سال نو نیک و خوش یوم می‌دانند و معتقدند همان‌طور که طبیعت با آغاز بهار نو می‌شود این تراوت و زیبای بر و روح و جان انسان نیز تأثیر خواهد گذاشت باید با پوشش و چهره انسان تمیز و پاکیزه شود. (قاضی‌زاده، ۱۳۹۵: ۱۰۷)

۲. جشن دهقان در بدخشان

این جشن یکی از جشن‌های قدیمی در سرزمین بدخشان است که پیام‌آور همدلی و همبستگی بین انسان‌ها و طبیعت است این جشن زیبا که در بدخشان منشأ دینی ندارد اما به‌عنوان یک فرهنگ بر خواسته از متن طبیعت و میراث گران‌بهای آریانای کهن است. مردم بدخشان هم بدون شک همان یادگار آریانای بزرگ است شامل حوزه تمدنی آریانا در گذشته بوده این فرهنگ نیاکان را در آغوش خود حفظ کرده است. این مراسم در سایر شهرستان‌های بدخشان با فرارسیدن ماه حوت (اسفند) نسبت به کوهستانی بودن بدخشان با کمی فاصله آغاز می‌شود بزرگان به همراه مردم به سرزمین‌های دهقانان که کشت و زراعت را شروع کرده‌اند می‌روند ضمن خواندن دعا از خداوند طلب سال خوب و پربرکت می‌کنند در آن روز غذای تهیه می‌کنند و بعد از مراسم برای مردم که در مسجد جمع شده‌اند غذا داده می‌شود. (همان، ۱۱۰)

۳. مراسم عروسی

ازدواج در اسلام میثاق، همبستگی و پیمان استوار است. توصیه خداوند برای تشکیل خانواده هرچند که فقیر باشند چراکه خداوند وعده داده از فضل خویش آنان را بی‌نیاز کند. پیامبر اکرم (ص) فرمود هر کس دین من و شیوه من را دوست دارد به سنت من باید عمل نماید. خانواده باعث سازندگی و فضیلت است و نسل و وظیفه‌شناس و متعهد از آن به وجود می‌آید. خانواده روح عدالت، مهربانی، احترام و تفاهم است. شوهر به‌عنوان اداره‌کننده آن از لحاظ اقتصادی و نظم می‌باشد. او مسئول است خانواده خود را از آتش فسادها حفظ نماید. مراسم طوی (عروسی) اصطلاح طوی مغولی است و به معنای جشنواره و جشن است در بین مردم رسم بر این است که با تشریفات به‌طرف خانه پدر عروس می‌روند و بعد از اینکه برای مهمانان که در مراسم حضور دارند غذا داده شد عروس را به خانه داماد می‌برند. (خاوری، ۱۳۸۵: ۲۸۵). فاصله میان شیرینی‌خوری و عروسی در مناطق بدخشان تفاوت دارد چون اکثر مردم کشاورز و دامدار هستند معمولاً شش ماه تا یک سال است اما کسانی که توانایی دارند عروسی را در فاصله بسیار کم و

زود انجام می‌دهند.

مراسم عروسی در مناطق مختلف بدخشان با تفاوت‌های کم‌وبیش برگزار می‌شود و به‌عنوان یکی از عنعنات دیرینه مذهبی و ملی در میان مردم مروج است. در گذشته مراسم عروسی خیلی ساده بوده اما امروزه این امر بسیار مهم دینی را سخت و متحمل مصارف سنگین کرده‌اند. طوی (عروسی) از بزرگ‌ترین معرکه‌های ملی مردم به شمار می‌رود. (عابدوف، ۱۴۳) برای خواستگاری پدر پسر چند تا از بزرگان محل را به خانه دختردار می‌فرستد بعد صحبت مسئله خواستگاری را به میان می‌آورند و نظر پدر و مادر دختر را می‌شنوند آنان از موسفیدان وقت می‌خواهد بعد چند روز و مشورت با خانواده از طرف آنان به خانواده پسر جواب مثبت یا منفی داده می‌شود اگر مثبت باشد خانواده پسر با نزدیکان و بزرگان همسایه دوباره به خانه دختردار می‌روند و توافق مقدماتی صورت می‌گیرد و شیرینی خورده می‌شود.

بعد از توافق اولیه مراسم شیرینی‌خوری انجام می‌شود که تعداد نفرات نظر به دعوت صاحب مراسم متفاوت است در خانه دختردار جمع می‌شوند که تمام هزینه آن از طرف داماد پرداخت می‌شود و با این کار نامزدی آن دو رسمیت پیدا می‌کند در این مراسم مهریه تعیین می‌شود که آن را داماد به‌طور کامل باید تا قبل از عروسی به پدر دختر پرداخت کند. بعد این مراسم نامزدی که در برخی مناطق بافاصله چندماهه همراه است آمادگی برای عروسی گرفته می‌شود و پدر داماد در مسجد محل مردم را خبر می‌کند که به خانه آن بیایند و آنان مواد لازم را جهت عروسی به خانه پدر عروس ببرند بعد از آن مراسم عروسی آماده می‌شود قوم و همسایه‌ها در روز عروسی می‌ایند بعد از خوردن غذا مہیای بردن عروس می‌شوند که بردن عروس نسبت به مناطق آن متفاوت است در برخی جاها چون امکانات شهری کم‌تر بوده است عروس را سوار در اسب به خانه داماد می‌برند در مناطق که ماشین وجود داشته با ماشین البته اکنون در اکثر مناطق بدخشان عروس با ماشین برده می‌شود و تغییرات زیادی در مراسم ایجاد شده است برخی از رسومات گذشته را از آن حذف کرده‌اند و دیگر اجرا نمی‌شود. (قاضی‌زاده، ۱۳۹۵: ۱۴۷) تمام هزینه‌های غذای روز عروسی که هم در خانه داماد برای مردم غذا می‌دهند و هم در خانه عروس بر عهده داماد است. مراسم عروسی معمولاً با خواندن سرودهای شاد و رقص باشکوه برگزار می‌شود.

در بدخشان عروسی برای عروس با تشریفاتی برگزار می‌شود در این مراسم مردم سواره و پیاده به‌طرف خانه پدر عروس می‌روند و بعد از خوردن غذا که از قبل برای مردم آماده‌شده

عروس را به سوی خانه داماد می آورند.

۴. جشن تولد

تولد کودک در خانه نشانه برکت است بعد از آن که نوزاد به دنیا آمد آن را نشانه خیر و برکت تلقی می کنند و برای اقوامش شادی و نشاط را به ارمغان می آورد.

کودکان نونهالان و گل های زیبای سرسبد خانواده می باشند که تولد کودک در خانه باعث خوشی و مسرت در خانواده می شود. در مناطق بدخشان با تولد کودک در خانه ای بین همسایه ها و خویشاوندان شیرینی تقسیم می کنند. در میان مردم بدخشان از گذشته های دور تا به امروز رسم و رواج های وجود دارد. زمانی که در خانه ای کودک به دنیا می آید، طبق اصول اسلامی در گوش او اذان و اقامه گفته می شود برای اینکه اولین صدای که کودک مسلمان می شنود اذان باشد، مسئولیت این کاربر عهده پدر خانواده است که او امام مسجد را به خانه دعوت می کند تا در گوش راست طفل اذان و در گوش چپ تکبیر بگوید و در حق کودک دعای خیر نماید و خانواده نیز چیزی به عنوان هدیه به آن می دهند. مراسم شب هفت نیز از اهمیت خاصی برخوردار است که در آن شب یا روز دوستان و اقارب خود را جمع می کنند کودک را شستشو می کنند و لباس نو می پوشانند. در این شب با پیروی از سنت رسول اکرم (ص) پدر کودک حیوانی را برای فرزند خود عقیقه می کند و نام آن کودک را انتخاب می کنند موی سر کودک را می تراشند و به وزن موی سر طفل نقره برای سلامتی بچه صدقه می دهند. (موسوی، ۱۳۹۹: ۱۳۵)

۵. سرگرمی های زمستانی

برفی کردن در میان مردم بدخشان یک رسم کهن است زمانی که اولین برف بیارد خانواده ای، خانواده دیگر را برفی می کند این کار نوعی دوستی میان مردم را نشان می دهد این رسم بیشتر بین اقوام و همسایگان صورت می گیرد که از که از گذشته تا امروز در سراسر بدخشان معمول بوده است. با اولین ریزش برف زمستانی با نگاشتن این بیت و گذاشتن مقداری برف در بین کاغذ.

برف می بارد به فرمان خدا برف نو از ما و برفی از شما.

گر بگیرد این جوان رفته را هردو دستش بسته و رویش سیاه

با فرستادن کسی این رسم آغاز می شود در این روز همه منتظر این رسم هستند وقتی که آورنده کاغذ آن را در خانه ای انداخت فرار می کند و آن را تعقیب می کنند اگر گیرش بیاورند

صورتش را با زغال سیا می‌کنند و باید مهمانی یک‌شب را تقبل کند اگر نه مهمانی به گردن صاحب آن خانه است که برف را گذاشته‌اند. به‌طوری‌که این موضوع در شعری مولانا عبدالله به‌روشنی توضیح داده‌شده است. ایشان در سال ۱۳۹۹ قمری جهت برفی کردن داملا محمد یعقوب بدخشی سروده است.

برف می‌بارد به امر خالق پروردگار	شد مبارک باد برفی بندگان را یادگار
گر به دست آرید ناگه قاصد مکار را	روسیاه و چپ به سر بر مرکبش سازید سوار
همچون خوردان دست‌هایش را ببندید پشت سر	زیر دندانش دم خر را نمایید استوار
ور به دست آوردنش صعب است در نزد شما	خرج او را با مراد طبع می‌سازید تیار
قند و چای و شوربا و بهط آش و پلو	مسکه و شیر لپه و جرغات هست اندر شمار
کاسه قیماق (خامه) روی خانه باید منتظر	که بت بر زاغ با چند لعل حلوی قطار
سیب فرغیل و ظماروغ پیتاوک دیک دیک	شلغم دشت کلینگ و غجم انگور عصار

۶. شب‌نشینی‌ها

یکی از فرهنگ‌های کهن این سرزمین شب‌نشینی است که بیشتر در فصل زمستان صورت می‌گیرد چون عموماً مردم در این فصل تعطیل هستند و اوقات فراغت زیاد دارند در شب‌های طولانی زمستان به دیدار اقوام می‌روند از گذشته قصه می‌کنند و خاطرات سال‌های قبل خود را بیان می‌نمایند و چند نفر کتاب‌خوان کنار هم می‌نشینند و با صدای بلند کتاب می‌خوانند و آن را برای دیگران تفسیر و تبیین می‌کنند کتاب‌های که بیشتر در این شب‌ها خوانده می‌شود عبارت‌اند از مثنوی معنوی، شاهنامه فردوسی، لیلی و مجنون و کتاب‌های اخلاقی و حماسی. داستان‌های حماسی و اساطیری و یا حوادث تاریخی از مهم‌ترین موارد بود که در مهمانی‌ها صحبت می‌شد. در گذشته این فرهنگ بیشتر از امروز بود، نوعی سرگرمی در بین خانواده‌ها بود که بعد از خوردن شام صورت می‌گرفت و معمولاً یک از مردان حاضر که باسوادتر و خوش‌سخن‌تر بود بیشتر از دیگران صحبت می‌کرد حتی افراد بی‌سواد نیز از اشعار حماسی شاعران بزرگ حفظ داشتند. شب یلدا اولین شب زمستان است که مردم بدخشان در این شب به خانه بزرگان می‌روند و تا نیمه‌شب می‌نشینند و این فرهنگ دیرینه را تجلیل می‌کنند. (همان، ۱۳۶)

۷. مراسم دینی و مذهبی

مردم شریف سرزمین لعل پرور بدخشان مانند دیگر مناطق کشور به مراسم‌های عبادی

در بدخشان مانند دیگر مسلمانان عید سعید فطر را باشکوه و ویژه‌ی تجلیل و آن را گرامی می‌دارند. بعد از برگزاری نماز عید فطر که در مسجد جامع اقامه می‌شود بین مردم رسم است که عید دیدنی به اصطلاح بدخشانی‌ها (عیدگشتک) می‌روند عید را به همدیگر تبریک می‌گویند به خانه بزرگ‌ترها، خانه فامیل نزدیک، دیدن پدر و مادر و دیگر اقوام و همسایه‌ها می‌روند این رسم به مدت سه روز که تعطیل رسمی است ادامه دارد و در این سه روز مردهای عید گردی می‌کنند بعد از سه روز زن‌ها به دیدوبازدید می‌روند. در مدت چند روز سفره عیدی همیشه پهن و گسترده است و انواع خوراکی‌های بازاری و خانگی و میوه‌های مختلف‌تر و خشک فراوان در آن سفره وجود دارد سنت عیدی دادن امری نیکوی است و با این سنت روابط بین کودکان با بزرگان خانواده محکم و استوار می‌شود و محبت بیشتر بین آن‌ها ایجاد می‌گردد. زیارت اهل قبور یکی از رسم‌های مردم بدخشان است که در عید فطر هرکسی به سر قبر بستگان خود می‌روند برای آنان قرآن می‌خوانند و در حق مردگان دعا می‌کنند چیزی در خانه درست می‌کنند و به عنوان نذری در سر قبرها بین مردم پخش می‌دهند. یکی از چیزهای است که برای هر مسلمان واجب است دادن زکات فطریه می‌باشد البته برای فقرا واجب نیست. کسانی که توانای مالی دارند موظف هستند که زکات فطره خود را به فقرا و مستمندان بدهند. مردم بدخشان صبح روز عید فطر زکات فطریه همه خانواده‌ای خود را جدا نموده و به دست نیازمندان می‌رسانند.

۲-۷. مراسم عید قربان

این عید را عید بزرگ می‌دانند چون یکی از اعیاد بزرگ اسلامی است که در روز دهم ذی‌الحجه برگزار می‌شود یکی کارهای خوب در این عید قربانی کردن که بین دوستان و مستمندان تقسیم می‌شود و نماز مخصوص عید خوانده می‌شود. مردم بدخشان در شب عید قربان به قبرستان می‌روند و یاد گذشتگان را گرامی می‌دارند، روز عید لباس نو می‌پوشند نماز عید در مسجد جامع هر منطقه برگزار می‌گردد. از رسومات مردم سنت قربانی کردن در روز عید قربان است که اسلام به آن تأکید فراوان کرده است. قربانی را معمولاً در بین نیازمندان توزیع می‌نمایند در عید قربان سه روز تعطیلی است که مردم به دیدوبازدید اقوام و فامیل می‌پردازند. (نجیبی، ۱۳۸۹: ۱۸۳)

قربانی که ریشه در تاریخ بشر دارد انسان‌ها برای برآورده شدن حاجات خود قربانی می‌کردند این سنت با آمدن دین روح‌بخش پذیرفته شد مراسم این عید در بدخشان به‌طور بسیار باشکوه برگزار می‌شود و معتقدند که این روز همان روزی است که حضرت ابراهیم (ع) خواست پسرش

اسماعیل (ع) را در راه خدا قربانی کند. چند روز قبل از فرارسیدن عید کسانی که توانایی دارند گوسفند یا گاو خوب را خریداری می‌کنند و از آن به‌خوبی نگهداری می‌کنند گوسفند باید کاملاً سالم باشد و هیچ نوع عیبی نداشته باشد تا نموداری از پاکی و پاک‌دامنی اسماعیل باشد. مردم پس از بجا آوردن نماز عید قربانی را که تهیه کرده‌اند در راه خدا ذبح می‌نمایند.

وقتی حیوانی قربانی را ذبح کردند گوشت آن را سه تقسیم می‌کنند یک تقسیم آن را به فقرا و یک تقسیم را به خودشان و یک تقسیم به دوستان و کسانی عید تبریکی آمده‌اند می‌دهند. در برخی مناطق بدخشان مردم که خود گوسفند دارند بره‌ای را که از مادر تولد شد از همان اول به نام قربانی نگه می‌دارند و بزرگ می‌کنند تا این که به سه‌سالگی برسد و این گوسفند را در صبح روز عید به بالای خانه می‌برند بعد از شستشو چشمان آن را سرمه می‌کشند بعد از آن یک طناب به گردن گوسفند انداخته و هفت مرتبه آن را دور می‌دهند در دست افراد حاضر هفت دانه سنگ‌ریزه است که در هر دور خوردن یکی آن را به بیرون از خانه می‌اندازند و می‌گویند لعنت بر شیطان و بعد از آن با طلوع آفتاب رو به طرف قبله در بالای خانه گوسفند را آورده سه مرتبه این دعا را می‌خوانند (جان فدا کننده جان در راه رضای خدای رحمت) و سه مرتبه «ادله اکبر ادله اکبر لا اله الا الله و الله اکبر الله اکبر و لله الحمد» (ابن بابویه، ج ۲، ۲۲۹) خوانده می‌شود و گوسفند را ذبح می‌نمایند و خون آن را نمی‌گذارند بر زمین بریزد آن را در یک ظرف می‌گیرند. مردم بدخشان صبح روز عید قربان با بر تن کردن لباس نو به طرف مساجد می‌روند و نماز را باشکوه برگزار می‌کنند در افغانستان در عید قربان روز تعطیل است. از آداب و رسوم این عید بین مردم دیدوبازدید از بزرگان و اقوام و دوستان است. یکی از آداب و رسوم مردم بدخشان زیارت اهل قبور است که شب عید به سر مزار گذشتگان می‌روند آنجا برای آنان دعا نموده و آیاتی از قرآن کریم را تلاوت می‌کنند و چیزی را به عنوان نذر و خیرات در قبرستان بین مردم پخش می‌کنند.

۳-۷. مراسم ختم و نذورات

مردم بدخشان به محض باخبر شدن از فوت کسی جهت دل‌داری و عرض تسلیت به خانه آن می‌روند و با خانواده آن ابراز همدردی می‌کنند. طبق سنت قدیمی زمانی که کسی فوت کند در بین زنان چنین رسم است که زنان سن بالا دور میت جمع می‌شوند و با صدای غم‌انگیز و سوزناک عزاداری می‌کنند. همسایه‌ها برای مردم که برای تشیع و تدفین آمده‌اند غذا درست می‌کنند که این یک رسم در اکثر مناطق بدخشان است و همین‌طور هر کس به اندازه توانش مبلغی را به صاحب‌عزا پرداخت می‌نمایند و به مدت سه روز غذای خانواده عزادار را اقوام و

همسایه‌های نزدیک تهیه می‌کنند چون معتقدند که تا سه روز در خانه‌ای که مرده شده نباید آتش برای غذا روشن شود. رسم دیگر این است که کسی فوت کند پولی را تحت عنوان دوره در یک ظرف قرار می‌دهند و بین علمای مذهبی دست‌به‌دست می‌شود و سرانجام آن مبلغ را بین فقرا تقسیم می‌کنند. در روز دوم در مسجد جامع محل مراسم فاتحه‌خوانی و ختم قرآن گرفته می‌شود بعد از سه روز خانواده میت با توجه به توان اقتصادی مردم را دعوت می‌کنند و به آن‌ها غذا می‌دهند. در برخی نواحی بدخشان تا چهل شب غذا به مسجد می‌فرستند یا به فقرا می‌دهند. بعد از این که چهل روز گذشت از طرف ورثه میت خیرات گرفته می‌شود و به نام چهلیم یاد می‌شود در سالگرد نیز این مراسم صورت می‌گیرد. (قاضی‌زاده، ۱۸۳)

رواج دیگر در بین مردم بدخشان این است که یک روز قبل از عید که آن را شب مردگان می‌خوانند سر قبر در گذشتگان خویش رفته و برای ارواح آن‌ها دعا می‌کنند همچنین به زیارت‌ها می‌روند دعا می‌خوانند. بعد از برگشت به خانه حلوا درست کرده و بین مردم پخش می‌کنند.

نذر دادن یکی از خصوصیات انسان‌ها بوده تا امروز نسل به نسل باقی‌مانده است. در بدخشان هم از سال‌های طولانی رسم نذر و قربانی رایج بوده هرگاه مصیبتی پیش آمده نذر کرده‌اند تا آن بلا از آنان رفع گردد.

نذر برای پسر دار شدن این ریشه در باورهای مردم دارد در گذشته به خاطر نوع زندگی دشوار بسیاری از خانواده‌ها، نیاز آن‌ها به نیروی کار و نبود کارهای مناسب برای دختران، بیشتر مردم در آرزوی پسر دار شدن بودند به همین دلیل نذر می‌کردند اگر صاحب پسر شوند فلان چیز را نذر می‌کنم وقتی فرزندشان پسر می‌بود گاو یا گوسفندی را قربانی کرده بین مردم تقسیم می‌کردند. البته این رسم به مرور و زمان از بین رفته است. همچنین نذر برای دفع بلا برخی خانواده‌ها برای آن کودکان از بلا دور باشد گوسفندی را برایش ذبح می‌کردند و بین همسایه‌ها توزیع می‌کردند و نذر در روز میلاد نبی (ص) در این روز زن‌ها در خانه شیرینی درست می‌کردند و در مساجد پخش می‌کردند.

۴-۷. مراسم عزاداری عاشورا

ایام محرم پس از واقعه عاشورای سال ۶۱ هجری قمری عزاداری بین مسلمانان مخصوصاً شیعیان برای امام حسین (ع) رواج داشته و روزهای نهم و دهم ماه محرم که در افغانستان تعطیل رسمی است مردم بدخشان در مناطق مختلف آن به صورت دسته‌جمعی برای شهادت امام حسین (ع) عزاداری می‌کنند. (نجیبی، ۱۳۸۹: ۱۴۷)

مسلمانان برای شهادت امام حسین (ع) عزاداری بر پا می‌کنند این عزاداری مخصوص شیعیان نیست بلکه مذاهب دیگر اسلامی نیز مثل شیعیان به خاطر شهادت نوه پیامبر اکرم (ص) مراسم عزاداری برگزار می‌کنند. این روز مردم جهت اقامه عزاداری در مساجد و حسینیه‌ها شرکت می‌کنند علما به وعظ و تبلیغ واقعه عاشورا می‌پردازند. (بختیاری، ۱۳۸۵:۳۶۵) گروهی به خواندن ابیات مناسب، نوحه‌خوانی می‌کنند و از اجرای شهادت امام حسین (ع) در روز عاشورا سخن می‌گویند هم‌چنین غذا درست می‌شود و بین همسایگان و مساکن تقسیم می‌شود. قابل یادآوری است که این رسم در مناطق غیر از شیعه‌نشین است.

شیعیان مناطق مختلف بدخشان در ماه محرم همه سیاه‌پوش می‌شوند مراسم ماه محرم را باشکوه و با حضور دیگر مذاهب اسلامی در مساجد و حسینیه‌ها برگزار می‌کنند. شیعیان از اول محرم خود را آماده برپایی مراسم برای شهادت امام حسین (ع) می‌نمایند سخنرانان با تبیین واقعه عاشورا و به مظلومیت اهل‌بیت (ع) می‌پردازند بعد از سخنرانی مداحان در مصائب اهل‌بیت پیامبر اکرم (ص) در عاشورا می‌خوانند و مردم سینه می‌زنند در روز دهم محرم دسته عزا از مسجدی به مسجدی دیگر می‌رود و آن روز غذا ظهر را در یک مسجد و شام را در مسجد دیگر صرف می‌کنند. در این مراسم شیعیان از مناطق هم‌جوار اهل سنت و اسماعیلیان را دعوت می‌کنند و علمای آنان نیز به سخنرانی می‌پردازند. مراسم دهه اول محرم و عاشورا، مراسم اربعین، رحلت پیامبر اکرم (ص) شهادت امام علی (ع) و شهادت سایر امامان و پیشوایان معصوم (ع) از جمله مراسم‌های دینی مذهبی مردم است و مراسم عیدی غدیر، تولد و بعثت پیامبر (ص)، تولد امام مهدی (عج) و تولد امامان دیگر از جشن‌های مذهبی مردم می‌باشند. (لعلی، ۱۳۷۲: ۱۳۲)

۸- جایگاه خانواده و زن در بدخشان

جامعه ما قبل از اینکه جامعه دینی باشد یک جامعه عنعنوی، قبیله‌ای و متشکل از اقوام و قبایل گوناگون است بیشتر مردم پایبند رسم و رواج‌های حاکم در این جامعه هستند و از خلاف سنت‌ها و عادات می‌ترسند و آنچه با عاداتشان نزدیکی نداشته باشد، یا با آن مقابله می‌کنند و یا هم آن را به‌سختی قبول می‌کنند. در چنین جامعه‌ای جایگاه زن از پیش تعیین شده و ذهنیت مردسالاری حاکم در جامعه به برتری مرد بر زن اعتقاد دارد. در نتیجه زن وابسته به مرد شده و از حیات اجتماعی تجرید گردیده است. اگر با یک دید کلی به وضعیت زن در جامعه افغانستان

بنگریم، نقش زن آنچه از نظر اسلام لازم است تأمین نگردیده و فقط در کنار مرد جزو فیزیکی جامعه را تشکیل می‌دهد. خانواده سنگ اول و زیربنای جامعه است که از اجماع مشروع والدین و فرزندان به وجود آمده است. خانواده در اسلام دارای اهمیت بالا و عامل برای رشد، کمال و رحمت می‌باشد.

زن در همه عرصه‌های زندگی اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی سهم فعال نداشته است. عوامل مختلف نابرابری زن و مرد و خشونت علیه زن در جوامع معمولاً متشکل از عامل جنسیتی، تاریخی، اجتماعی، فرهنگی، دینی و اقتصادی است؛ اما در میان این همه عوامل بخش‌های زیادی از جامعه ماتحت تأثیر رسوم، عنعنات، فرهنگ، برداشت‌های بومی و دیرینه مردم این سرزمین جایگاه زن را تعیین می‌کند. (بخشی، ۱۸، ۱۲، ۱۳۹۴)

در قدیم زن به عنوان شخصیت درجه دوم جامعه ضعیف و حقیر تلقی می‌شده است؛ اما اسلام برخلاف همه برداشت‌های منفی در جوامع گوناگون و طرز دیدهای نادرست، هیچ نوع برتری مردان بر زنان را نمی‌پذیرد و در هر دو بعد تکوینی و تشریعی به زنان جایگاه بالای تعیین کرده است زن از نظر اسلام می‌تواند در خانواده و اجتماع به فعالیت‌های اقتصادی، سیاسی و اجتماعی بپردازد. حضور زنان در فعالیت‌های اجتماعی از دید اسلام منفی نیست بلکه برای آن ارزش قائل است و زنان بخش مؤثر جامعه را تشکیل داده و می‌توانند در مسائل اجتماعی نقش مهمی داشته باشند.

اسلام اولین مکتبی است که زن را به عنوان یک مسئله مهم زندگی و حیات انسانی در مسائل اخلاقی، اجتماعی و قانونی خود جا داده است. در زمان که دنیا در آتش نادانی و ستم می‌سوخت و جوامعی انسانی گرفتار انواع انحرافات بودند برخی زن را معبود خویش و بعضی دیگر زن را حیوان می‌دانستند. پیامبر (ص) برای پایان دادن به انحرافات و کج‌روی‌ها و رفتارهای غلط از طرف خداوند مبعوث و خط بطلان بر همه آن‌ها کشید. پیامبر (ص) در زمانی مبعوث شد که دنیای بشریت در دریای حیرت سرگردان بود. در چنین وقت بود که ظهور اسلام باران رحمتش را برای بشریت ارزانی داد و زنجیرها را از گردن‌ها و دست‌وپا برداشت زن در فرهنگ اسلامی بر همگان آشکار است اسلام زن را به عنوان یک عنصر مفید در جامعه پذیرفته و او را در امر مهم و سرنوشت‌ساز بیعت همراه ساخته است؛ وقتی اسلام از زن بیعت گرفت درواقع به او اعلام گردید که تو یکی از خشت‌های بنای اسلام هستی و باید حق خود را در استواری این بنیان انجام دهی. برخلاف برداشت‌های نادرست. اسلام احترام خاصی برای زنان قائل است و اولین کسی که

اسلام را پذیرفت یک زن بود نخستین شهید راه اسلام هم یک زن بود. (جمعی از پژوهشگران، ۱۳۸۲: ۸۳)

فرهنگ اسلامی فرزندان فراوانی در سراسر زمین؛ فروهشته و قلمرو خود در تمامی ابعاد؛ توسعه داده است. تمدن اسلامی؛ یکی از فرزندان فرهنگ فرازمند اسلامی است. تمدن به مثابه‌ی جنبه‌ی سخت‌افزاری فرهنگ؛ بدون فکر فراهم نمی‌آید. این فرهنگ اسلامی است که فرزندی به نام تمدن می‌زاید، می‌پرورد و به صورت شهر، کشور، دولت یا در ساختارهای مردمی مثل جامعه، گروه، احزاب و... تبلور می‌بخشد.

نخستین نهاد اجتماعی؛ خانواده است. خانواده در بدخشان؛ مثل هرجایی دیگر؛ از اهمیت بسیار بالایی برخوردار است. عنصر اصلی خانواده؛ فرهنگ است و فرهنگ خانواده‌داری در بدخشان؛ مثل هرجایی دیگر؛ یا ساختار هرمی دارد یا ساختار درختی. اگر نحوه‌ی تکوین خانواده مدنظر باشد؛ خانواده ساختار درختی دارد و اگر به ساختار مدیریتی این نهاد توجه شود؛ ساختار هرمی به خود می‌گیرد. از نظر مدیریتی؛ رأس هرم خانواده را؛ پدر و مادر تشکیل می‌دهد. خانواده در بدخشان؛ به درخت کهن‌سالی می‌ماند که شاخ و برگ بسیاری دارد. حاکمیت، سنت‌های مذهبی و اخلاقی؛ بر استحکام ساختار اجتماعی و خانوادگی بدخشان؛ افزوده است. در این استان، جایگاه پدر و مادر را؛ ارزش‌های اسلامی و اخلاقی معین می‌کند. اگر ریاست خانواده را پدر و مادر بر عهده دارد؛ برای این است که پدر و مادر از منظر آیین اسلام؛ دارای اهمیت بسیار بالایی است. قرآن کریم مسلمانان را به احسان و نیکوکاری به پدر و مادر «وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا» (سوره نساء، ۴۸) دستور داده است. ریاست خانواده توسط پدر؛ به معنای پدرسالاری نیست. پدرسالاری در مفهوم معاصر آن مذموم است، زیرا حاکمیت پدر؛ قلدرمآبانه و خودکامگی تلقی می‌شود. خودکامگی و قلدرمآبی در روابط خانوادگی مسلمانان؛ نه مطلوب است و نه مشهود. پدرسالاری درجایی صدق می‌کند که مهر و محبت در میان افراد خانواده نباشد و روابط خانوادگی با عنصر عشق و عاطفه؛ مدیریت نشود. درحالی‌که عنصر اصلی مدیریت خانواده در بدخشان را عشق و عاطفه‌ی دوسویه‌ی والدین و اولاد تشکیل می‌دهد. در بدخشان و در سرتاسر حوزه‌ی زبان فارسی تقریباً جمله‌ی کوتاه: «بهشت زیر پای مادر است»؛ بر سر زبان‌هاست و پدر نیز اگر بیش از مادر در نزد فرزندان و سایر اعضای خانواده؛ محترم و محبوب نباشد؛ کم‌تر نیست. پس مفهوم پدرسالاری به گونه‌ای که مدیریت قلدرمآبانه و خودکامگی پدر را القاء کند در قاموس خانوادگی بدخشانیان؛ جایگاهی ندارد.

در بدخشان و نیز در سراسر جامعه‌ی افغانستان؛ سنن و آداب آمیخته با خرافات و ناهنجاری‌های اجتماعی و خانوادگی متضاد با ارزش‌های انسانی و الهی؛ حاکمیت دارد. یکی از این ناهنجاری‌ها؛ عدم اجازه به حضور زن؛ در عرصه‌ی اجتماع است. درست است که احسان و اکرام به مادر؛ برابر با فرمان الهی؛ در میان مسلمانان رواج دارد اما اکرام و احسان به مادر؛ نمی‌تواند یک امر اجتماعی به شمار آید و این خلأ اجتماعی را پُر سازد، بلکه این یک امر خانوادگی و خصوصی است. در بدخشان و در جامعه‌ی افغانستان تا چند سال پیش؛ زنان حق گرفتن شناسنامه نداشتند و حتی نام مادر در شناسنامه‌ی فرزندان ذکر نمی‌شد و تنها نام پدر و پدربزرگ می‌آمد! از این عجیب‌تر اینکه در برخی خانواده‌ها؛ شوهران نام زنان خود را نمی‌بردند. یک شرم و حیای مذموم بر پاره‌ای از خانواده‌ها، بلکه بر اکثر آنان حکم‌فرما بود که حتی در خطاب‌های شخصی نیز؛ مردان زنان نام همسر خود را نمی‌بردند و به جای اسم یکدیگر؛ از جملات، ای مرد، ای زن، پدر فلانی و مادر فلانی؛ استفاده می‌بردند. پدربزرگ‌ها و مادربزرگ‌ها نیز هنگام خطاب یکدیگر؛ نام فرزند بزرگ خود را می‌بردند، اما این بدین معنا نبود که بردن نام یکدیگر را تابو می‌شمردند، اگر بردن نام زن و شوهر؛ در نزدشان تابو می‌بود؛ نام فرزند بزرگشان را نیز نمی‌بردند. زیرا؛ او نیز زن بود و نام زنانه داشت.

تشکیل خانواده در بدخشان؛ از ازدواج آغاز می‌گردد و از آنجاکه سن ازدواج در این استان پایین است مردمان بدخشان؛ از همان اوان جوانی؛ تشکیل خانواده می‌دهند. در قدیم امر ازدواج؛ آسان بود، زیرا در آن زمان؛ جنبه‌ی سنتی ازدواج‌ها قوی‌تر بود، جوانان بالغ نشده و گاهی اوقات در ایام کودکی و حتی در اولین زادروز پسر و دختر؛ از سوی پدر و مادر؛ نامزد می‌شدند. این امر تا حدودی می‌تواند پدرسالاری و مادر سالاری خودکامه و قلدرمآبانه را حاکمیت ببخشد و شاید تنها بدی پدرسالاری در همین مسئله ظهور و بروز دارد و یک امر ناروا بود، زیرا استقلال فرزندان را در امر بااهمیت ازدواج نادیده می‌گرفت و امکان این که پسر و دختر؛ پس از بلوغ؛ همدیگر را نپسندند؛ وجود داشت و پیامدهای ناهنجار آن نیز دامن‌گیر خانواده‌ها می‌شد؛ چنان که اگر به خاطر عدم پسند یک طرف یا طرفین؛ نامزدی فسخ می‌شد؛ روابط دو خانواده؛ از هم می‌گسست و اگر باوجود عدم علاقه‌ی پسر و دختر؛ بر اثر فشار و اجبار خانواده؛ این ازدواج صورت می‌گرفت؛ تا آخر عمر؛ از عشق و عاطفه‌ی زناشویی و از حلاوت زندگی؛ محروم می‌شدند که این مسئله خود می‌توانست ناهنجاری‌های خانوادگی و اجتماعی بسیاری را به دنبال داشته باشد. باوجود بدی‌هایی که برشمردیم؛ این مسئله؛ خالی از حسن هم نیست. تنها حسن این ازدواج سنتی این

است که؛ فرزندان به مجرد رسیدن به سن بلوغ و گاهی هم نرسیده به سن بلوغ؛ ازدواج می کردند و دیگر دغدغه‌ی ازدواج نداشتند و در سنین جوانی و نوجوانی؛ صاحب فرزند می شدند که این خود؛ امتیاز بسیار بالا محسوب می شود. البته این امر؛ عمومی و همگانی نبود و تنها در مناطق روستایی و دورافتاده؛ اتفاق می افتاد. هر چه بود؛ به مرور زمان؛ عادت های بر خاسته از خود بزرگ بینی و نیز ورود شبخوار مدرنیسم به زندگی مردم؛ سنت های گذشته‌ی این روستا نشینان دور افتاده را نیز؛ دگرگون کرده است، به حدی که فرزندان در انتخاب همسر خود کاملاً آزاد هستند. دامنه‌ی آزادی دختران؛ از آزادی پسران؛ در این مسئله؛ وسعت بیش تری دارد. چنانکه در برخی مناطق بدخشان؛ اگر دختری؛ پسری را بخواهد؛ در ملاعام دستش را می گیرد و با صدای بلند می گوید: «این شوهر من است». این انتخاب همه را ناگزیر از پذیرش می کند. هم مرد منتخب ناگزیر از پذیرش است و هم دیگران. البته این قضیه؛ مختص به زمان حال نیست؛ در زمان های گذشته نیز جریان داشته است.

تعدد زوجات؛ در بدخشان امر متعارف و معمولی به شمار می رود. متمولان و ثروتمندان، افراد بزرگ و سرشناس؛ به تعدد زوجات؛ نه به مثابه‌ی تفنن و تفریح که به عنوان یک ضرورت اجتناب ناپذیر تن می دادند. این قشر از جامعه؛ تکرر و تعدد همسران را برای تأمین نیروی کار می خواستند، زیرا تعدد زوجات؛ نیاز خانواده های پر جمعیت را به کار تأمین می کرد. در پاره‌ای از محیط ها؛ در پاره‌ای از فصول مخصوصاً بهار و تابستان، به کار زنان در دو محیط، قشلاقی و بیلاقی؛ نیاز مبرم بود. در چنین محیط هایی لازم است یکی یا عده‌ای از زنان خانواده؛ در شهر یا دهکده بمانند و به کار کشاورزی و باغداری بپردازند و یکی دیگر؛ به بیلاق برود و با دامداری و محافظت از رمه و گله و جمع آوری شیر و روغن، پشم دام ها؛ نیاز خانه را به شیر، روغن و پشم تأمین کند.

۵۱ البته بودند کسانی که برای تفریح و تفنن، کامجویی، لذت طلبی و شهوت پرستی؛ به ازدواج مجدد؛ روی می آوردند. زندگی این خانواده ها تعریف چندانی نداشت. هم از نظر اخلاقی دچار فروپاشی بود و هم از نظر معیشت در فقر و تنگ دستی به سر می بردند.

خانواده در بدخشان؛ مفهوم گسترده‌ای دارد. گاهی خانواده به حدی بزرگ است که تعداد آن تا سی یا چهل نفر بالغ می شوند.

برخی از خانواده های بدخشانی؛ قدمت تاریخی دارند و به این قدمت نیز آگاه هستند. خانواده‌ی سادات، خواجگان، میرها، نایبان و... هر کدام؛ پیشینه‌ی تاریخی افتخار آمیزی دارند. این

پیشینه و اصالت؛ آنان را از افتادن در دام مدرنیته‌ی غربی و هرزگی‌های ناشی از آن؛ حفظ می‌کند. شاید همین اصالت خانوادگی و پیشینه‌ی تاریخی بدخشانیان است که مدرنیسم در عرصه‌ی اجتماعی و خانواده در بدخشان؛ تا حالا جای پای خود را سفت نکرده است، هرچند بازهم ورود نیمه‌جان مدرنیسم در عرصه‌ی اجتماع و خانواده؛ باعث بروز ناهنجاری‌های اجمالی شده است، اما این ناهنجاری‌ها به مدد سنن مذهبی؛ مدیریت و مهار می‌شود و منجر به گسست کامل اجتماعی و خانوادگی نخواهد شد. آنچه مردم این سرزمین را در برابر مدرنیسم غربی؛ حفظ می‌کند؛ آگاهی از ارزش‌های والای دینی و ایمان مذهبی است. عدم آگاهی از آیین و ارزش‌های خودی؛ عامل گرایش به فرهنگ بیگانه و بستر ساز تحقق شیخون فرهنگی دشمنان آیین و ارزش‌های ما خواهد بود. خانواده‌ها اگر از امتیازات فکری، فرهنگی و تمدنی خودآگاه باشند؛ در برابر تهاجم خانمان‌سوز فرهنگی غرب؛ دچار خودباختگی و فروپاشی نخواهند شد. جهان مدرنیته؛ نارسایی‌ها و ناهنجاری‌های فرهنگی و حقوقی موجود در میان جامعه‌ی ما را دلیل و دست‌آویز قرار داده؛ تا سبک زندگی ما را ناهنجار و برخلاف کرامت انسانی؛ نشان دهد. درحالی‌که این نواقص و ناهنجاری‌ها؛ مستند به دین و آموزه‌های اصیل و ارزش‌های کهن فرهنگی ما نیست، بلکه یا ریشه در خرافات تاریخی دارد یا محصول تحریف آشکار آموزه‌ی ما و یا از برآیند تغییر اصول اخلاقی و ارزش‌های والای آیین ما ناشی شده است. خانواده‌های اصیل و آگاه از حقوق انسانی و امتیازات ارزشی آیین اسلام در بدخشان؛ نه دچار ناهنجاری اخلاقی و اجتماعی شده‌اند و نه هرگز دچار دگرگونی و انحرافات ناشی از تبلیغات و تهاجم فرهنگی غرب، بلکه در برابر هرگونه تهاجم و تجاوز؛ ایستادگی نموده و فرهنگ فرازمند و ارزش‌های اصیل اسلامی را؛ تبلیغ و ترویج کرده‌اند. مثلاً پس از حضور آمریکا و نیروهای ائتلاف در افغانستان؛ تبلیغات وسیعی از سوی غرب و غرب‌گرایان؛ آغاز شد تا فرهنگ حاکم بر مملکت ما را مخالف ارزش‌های انسانی و مخالف حقوق زن؛ به شمار آورند، اما آنان که از مزایای حقوقی اسلام آگاه بودند؛ در برابر این تبلیغات و تهاجمات؛ دچار خودباختگی نشدند و ارزش‌های آیین خود را وانهادند، بلکه به تبلیغ و ترویج این ارزش‌ها پرداختند و از امتیازات بی‌همتای آن سخن گفتند. مرحوم برهان‌الدین ربانی رئیس‌جمهور سابق افغانستان در سخنانی ضمن تخطئه‌ی غرب و غرب‌گرایان در زمینه‌ی حقوق زن؛ گفت: حقوق زن در اسلام؛ بیش از حقوق زن در غرب است. اسلام؛ بیش از غرب به زن کرامت داده است و در نزد مسلمانان واقعی؛ زن بیش از غربی‌ها محترم بوده است. در بدخشان؛ به ما طعنه می‌زدند که شما ملاها؛ زن کلان هستین». واژه‌ی زن کلان در گویش بدخشانی؛

مرادف زن سالاری است. قدر و قیمت زن در نزد فرهنگیان و مسلمانان اصیل بدخشانی؛ به حدی بالا بوده و هست که آنان را به زن سالاری متهم می کردند. درحالی که زن سالاری؛ از ویژگی های روزگار جدید و از ناهنجاری های مدرنیسم غربی است. در اسلام؛ نه زن سالاری صحیح است و نه مردسالاری، بلکه انسانیت مداری و ارزش مداری مهم است. (موسوی، ۱۳۳)

نتیجه

سرزمین لعل پرور بدخشان، در شمال شرق افغانستان واقع شده، یکی از استان های بزرگ و مهم کشور افغانستان است. این استان با کشورهای چین، تاجیکستان و پاکستان دارای مرز مشترک می باشد. در آن سرزمین اقوام، گروه ها با مذاهب مختلف اسلامی به صورت مسالمت آمیز کنار هم زندگی می کنند. مقاله ای حاضر با مراجعه به منابع معتبر به آداب و رسوم اجتماعی مردم بدخشان پرداخته است. یافته های این پژوهش نشان می دهد که مردم بدخشان علاوه بر اهتمام به اعیاد ملی و مذهبی و دینی رایج در کشور دارای آداب و رسوم ویژه از جمله در عید نوروز، عید فطر، عید قربان، جشن دهقان، جشن عروسی، جشن تولد سرگرمی های زمستانه بوده و دارای نگرش خاص به زن و خانواده است. در بدخشان مراسم های مذهبی و نذورات و برگزاری مراسم سرور و سالار شهیدان حضرت امام حسین (ع) و دیگر مراسم عبادی، به شیوه و روش مخصوص آن منطقه برگزار می شود.

۱-۲-۳-۴-۵-۶-۷-۸-۹-۱۰-۱۱-۱۲-۱۳-۱۴-۱۵-۱۶-۱۷-۱۸-۱۹-۲۰-۲۱-۲۲-۲۳-۲۴-۲۵-۲۶-۲۷-۲۸-۲۹-۳۰-۳۱-۳۲-۳۳-۳۴-۳۵-۳۶-۳۷-۳۸-۳۹-۴۰-۴۱-۴۲-۴۳-۴۴-۴۵-۴۶-۴۷-۴۸-۴۹-۵۰-۵۱-۵۲-۵۳-۵۴-۵۵-۵۶-۵۷-۵۸-۵۹-۶۰-۶۱-۶۲-۶۳-۶۴-۶۵-۶۶-۶۷-۶۸-۶۹-۷۰-۷۱-۷۲-۷۳-۷۴-۷۵-۷۶-۷۷-۷۸-۷۹-۸۰-۸۱-۸۲-۸۳-۸۴-۸۵-۸۶-۸۷-۸۸-۸۹-۹۰-۹۱-۹۲-۹۳-۹۴-۹۵-۹۶-۹۷-۹۸-۹۹-۱۰۰-۱۰۱-۱۰۲-۱۰۳-۱۰۴-۱۰۵-۱۰۶-۱۰۷-۱۰۸-۱۰۹-۱۱۰-۱۱۱-۱۱۲-۱۱۳-۱۱۴-۱۱۵-۱۱۶-۱۱۷-۱۱۸-۱۱۹-۱۲۰-۱۲۱-۱۲۲-۱۲۳-۱۲۴-۱۲۵-۱۲۶-۱۲۷-۱۲۸-۱۲۹-۱۳۰-۱۳۱-۱۳۲-۱۳۳-۱۳۴-۱۳۵-۱۳۶-۱۳۷-۱۳۸-۱۳۹-۱۴۰-۱۴۱-۱۴۲-۱۴۳-۱۴۴-۱۴۵-۱۴۶-۱۴۷-۱۴۸-۱۴۹-۱۵۰-۱۵۱-۱۵۲-۱۵۳-۱۵۴-۱۵۵-۱۵۶-۱۵۷-۱۵۸-۱۵۹-۱۶۰-۱۶۱-۱۶۲-۱۶۳-۱۶۴-۱۶۵-۱۶۶-۱۶۷-۱۶۸-۱۶۹-۱۷۰-۱۷۱-۱۷۲-۱۷۳-۱۷۴-۱۷۵-۱۷۶-۱۷۷-۱۷۸-۱۷۹-۱۸۰-۱۸۱-۱۸۲-۱۸۳-۱۸۴-۱۸۵-۱۸۶-۱۸۷-۱۸۸-۱۸۹-۱۹۰-۱۹۱-۱۹۲-۱۹۳-۱۹۴-۱۹۵-۱۹۶-۱۹۷-۱۹۸-۱۹۹-۲۰۰-۲۰۱-۲۰۲-۲۰۳-۲۰۴-۲۰۵-۲۰۶-۲۰۷-۲۰۸-۲۰۹-۲۱۰-۲۱۱-۲۱۲-۲۱۳-۲۱۴-۲۱۵-۲۱۶-۲۱۷-۲۱۸-۲۱۹-۲۲۰-۲۲۱-۲۲۲-۲۲۳-۲۲۴-۲۲۵-۲۲۶-۲۲۷-۲۲۸-۲۲۹-۲۳۰-۲۳۱-۲۳۲-۲۳۳-۲۳۴-۲۳۵-۲۳۶-۲۳۷-۲۳۸-۲۳۹-۲۴۰-۲۴۱-۲۴۲-۲۴۳-۲۴۴-۲۴۵-۲۴۶-۲۴۷-۲۴۸-۲۴۹-۲۵۰-۲۵۱-۲۵۲-۲۵۳-۲۵۴-۲۵۵-۲۵۶-۲۵۷-۲۵۸-۲۵۹-۲۶۰-۲۶۱-۲۶۲-۲۶۳-۲۶۴-۲۶۵-۲۶۶-۲۶۷-۲۶۸-۲۶۹-۲۷۰-۲۷۱-۲۷۲-۲۷۳-۲۷۴-۲۷۵-۲۷۶-۲۷۷-۲۷۸-۲۷۹-۲۸۰-۲۸۱-۲۸۲-۲۸۳-۲۸۴-۲۸۵-۲۸۶-۲۸۷-۲۸۸-۲۸۹-۲۹۰-۲۹۱-۲۹۲-۲۹۳-۲۹۴-۲۹۵-۲۹۶-۲۹۷-۲۹۸-۲۹۹-۳۰۰-۳۰۱-۳۰۲-۳۰۳-۳۰۴-۳۰۵-۳۰۶-۳۰۷-۳۰۸-۳۰۹-۳۱۰-۳۱۱-۳۱۲-۳۱۳-۳۱۴-۳۱۵-۳۱۶-۳۱۷-۳۱۸-۳۱۹-۳۲۰-۳۲۱-۳۲۲-۳۲۳-۳۲۴-۳۲۵-۳۲۶-۳۲۷-۳۲۸-۳۲۹-۳۳۰-۳۳۱-۳۳۲-۳۳۳-۳۳۴-۳۳۵-۳۳۶-۳۳۷-۳۳۸-۳۳۹-۳۴۰-۳۴۱-۳۴۲-۳۴۳-۳۴۴-۳۴۵-۳۴۶-۳۴۷-۳۴۸-۳۴۹-۳۵۰-۳۵۱-۳۵۲-۳۵۳-۳۵۴-۳۵۵-۳۵۶-۳۵۷-۳۵۸-۳۵۹-۳۶۰-۳۶۱-۳۶۲-۳۶۳-۳۶۴-۳۶۵-۳۶۶-۳۶۷-۳۶۸-۳۶۹-۳۷۰-۳۷۱-۳۷۲-۳۷۳-۳۷۴-۳۷۵-۳۷۶-۳۷۷-۳۷۸-۳۷۹-۳۸۰-۳۸۱-۳۸۲-۳۸۳-۳۸۴-۳۸۵-۳۸۶-۳۸۷-۳۸۸-۳۸۹-۳۹۰-۳۹۱-۳۹۲-۳۹۳-۳۹۴-۳۹۵-۳۹۶-۳۹۷-۳۹۸-۳۹۹-۴۰۰-۴۰۱-۴۰۲-۴۰۳-۴۰۴-۴۰۵-۴۰۶-۴۰۷-۴۰۸-۴۰۹-۴۱۰-۴۱۱-۴۱۲-۴۱۳-۴۱۴-۴۱۵-۴۱۶-۴۱۷-۴۱۸-۴۱۹-۴۲۰-۴۲۱-۴۲۲-۴۲۳-۴۲۴-۴۲۵-۴۲۶-۴۲۷-۴۲۸-۴۲۹-۴۳۰-۴۳۱-۴۳۲-۴۳۳-۴۳۴-۴۳۵-۴۳۶-۴۳۷-۴۳۸-۴۳۹-۴۴۰-۴۴۱-۴۴۲-۴۴۳-۴۴۴-۴۴۵-۴۴۶-۴۴۷-۴۴۸-۴۴۹-۴۵۰-۴۵۱-۴۵۲-۴۵۳-۴۵۴-۴۵۵-۴۵۶-۴۵۷-۴۵۸-۴۵۹-۴۶۰-۴۶۱-۴۶۲-۴۶۳-۴۶۴-۴۶۵-۴۶۶-۴۶۷-۴۶۸-۴۶۹-۴۷۰-۴۷۱-۴۷۲-۴۷۳-۴۷۴-۴۷۵-۴۷۶-۴۷۷-۴۷۸-۴۷۹-۴۸۰-۴۸۱-۴۸۲-۴۸۳-۴۸۴-۴۸۵-۴۸۶-۴۸۷-۴۸۸-۴۸۹-۴۹۰-۴۹۱-۴۹۲-۴۹۳-۴۹۴-۴۹۵-۴۹۶-۴۹۷-۴۹۸-۴۹۹-۵۰۰-۵۰۱-۵۰۲-۵۰۳-۵۰۴-۵۰۵-۵۰۶-۵۰۷-۵۰۸-۵۰۹-۵۱۰-۵۱۱-۵۱۲-۵۱۳-۵۱۴-۵۱۵-۵۱۶-۵۱۷-۵۱۸-۵۱۹-۵۲۰-۵۲۱-۵۲۲-۵۲۳-۵۲۴-۵۲۵-۵۲۶-۵۲۷-۵۲۸-۵۲۹-۵۳۰-۵۳۱-۵۳۲-۵۳۳-۵۳۴-۵۳۵-۵۳۶-۵۳۷-۵۳۸-۵۳۹-۵۴۰-۵۴۱-۵۴۲-۵۴۳-۵۴۴-۵۴۵-۵۴۶-۵۴۷-۵۴۸-۵۴۹-۵۵۰-۵۵۱-۵۵۲-۵۵۳-۵۵۴-۵۵۵-۵۵۶-۵۵۷-۵۵۸-۵۵۹-۵۶۰-۵۶۱-۵۶۲-۵۶۳-۵۶۴-۵۶۵-۵۶۶-۵۶۷-۵۶۸-۵۶۹-۵۷۰-۵۷۱-۵۷۲-۵۷۳-۵۷۴-۵۷۵-۵۷۶-۵۷۷-۵۷۸-۵۷۹-۵۸۰-۵۸۱-۵۸۲-۵۸۳-۵۸۴-۵۸۵-۵۸۶-۵۸۷-۵۸۸-۵۸۹-۵۹۰-۵۹۱-۵۹۲-۵۹۳-۵۹۴-۵۹۵-۵۹۶-۵۹۷-۵۹۸-۵۹۹-۶۰۰-۶۰۱-۶۰۲-۶۰۳-۶۰۴-۶۰۵-۶۰۶-۶۰۷-۶۰۸-۶۰۹-۶۱۰-۶۱۱-۶۱۲-۶۱۳-۶۱۴-۶۱۵-۶۱۶-۶۱۷-۶۱۸-۶۱۹-۶۲۰-۶۲۱-۶۲۲-۶۲۳-۶۲۴-۶۲۵-۶۲۶-۶۲۷-۶۲۸-۶۲۹-۶۳۰-۶۳۱-۶۳۲-۶۳۳-۶۳۴-۶۳۵-۶۳۶-۶۳۷-۶۳۸-۶۳۹-۶۴۰-۶۴۱-۶۴۲-۶۴۳-۶۴۴-۶۴۵-۶۴۶-۶۴۷-۶۴۸-۶۴۹-۶۵۰-۶۵۱-۶۵۲-۶۵۳-۶۵۴-۶۵۵-۶۵۶-۶۵۷-۶۵۸-۶۵۹-۶۶۰-۶۶۱-۶۶۲-۶۶۳-۶۶۴-۶۶۵-۶۶۶-۶۶۷-۶۶۸-۶۶۹-۶۷۰-۶۷۱-۶۷۲-۶۷۳-۶۷۴-۶۷۵-۶۷۶-۶۷۷-۶۷۸-۶۷۹-۶۸۰-۶۸۱-۶۸۲-۶۸۳-۶۸۴-۶۸۵-۶۸۶-۶۸۷-۶۸۸-۶۸۹-۶۹۰-۶۹۱-۶۹۲-۶۹۳-۶۹۴-۶۹۵-۶۹۶-۶۹۷-۶۹۸-۶۹۹-۷۰۰-۷۰۱-۷۰۲-۷۰۳-۷۰۴-۷۰۵-۷۰۶-۷۰۷-۷۰۸-۷۰۹-۷۱۰-۷۱۱-۷۱۲-۷۱۳-۷۱۴-۷۱۵-۷۱۶-۷۱۷-۷۱۸-۷۱۹-۷۲۰-۷۲۱-۷۲۲-۷۲۳-۷۲۴-۷۲۵-۷۲۶-۷۲۷-۷۲۸-۷۲۹-۷۳۰-۷۳۱-۷۳۲-۷۳۳-۷۳۴-۷۳۵-۷۳۶-۷۳۷-۷۳۸-۷۳۹-۷۴۰-۷۴۱-۷۴۲-۷۴۳-۷۴۴-۷۴۵-۷۴۶-۷۴۷-۷۴۸-۷۴۹-۷۵۰-۷۵۱-۷۵۲-۷۵۳-۷۵۴-۷۵۵-۷۵۶-۷۵۷-۷۵۸-۷۵۹-۷۶۰-۷۶۱-۷۶۲-۷۶۳-۷۶۴-۷۶۵-۷۶۶-۷۶۷-۷۶۸-۷۶۹-۷۷۰-۷۷۱-۷۷۲-۷۷۳-۷۷۴-۷۷۵-۷۷۶-۷۷۷-۷۷۸-۷۷۹-۷۸۰-۷۸۱-۷۸۲-۷۸۳-۷۸۴-۷۸۵-۷۸۶-۷۸۷-۷۸۸-۷۸۹-۷۹۰-۷۹۱-۷۹۲-۷۹۳-۷۹۴-۷۹۵-۷۹۶-۷۹۷-۷۹۸-۷۹۹-۸۰۰-۸۰۱-۸۰۲-۸۰۳-۸۰۴-۸۰۵-۸۰۶-۸۰۷-۸۰۸-۸۰۹-۸۱۰-۸۱۱-۸۱۲-۸۱۳-۸۱۴-۸۱۵-۸۱۶-۸۱۷-۸۱۸-۸۱۹-۸۲۰-۸۲۱-۸۲۲-۸۲۳-۸۲۴-۸۲۵-۸۲۶-۸۲۷-۸۲۸-۸۲۹-۸۳۰-۸۳۱-۸۳۲-۸۳۳-۸۳۴-۸۳۵-۸۳۶-۸۳۷-۸۳۸-۸۳۹-۸۴۰-۸۴۱-۸۴۲-۸۴۳-۸۴۴-۸۴۵-۸۴۶-۸۴۷-۸۴۸-۸۴۹-۸۵۰-۸۵۱-۸۵۲-۸۵۳-۸۵۴-۸۵۵-۸۵۶-۸۵۷-۸۵۸-۸۵۹-۸۶۰-۸۶۱-۸۶۲-۸۶۳-۸۶۴-۸۶۵-۸۶۶-۸۶۷-۸۶۸-۸۶۹-۸۷۰-۸۷۱-۸۷۲-۸۷۳-۸۷۴-۸۷۵-۸۷۶-۸۷۷-۸۷۸-۸۷۹-۸۸۰-۸۸۱-۸۸۲-۸۸۳-۸۸۴-۸۸۵-۸۸۶-۸۸۷-۸۸۸-۸۸۹-۸۹۰-۸۹۱-۸۹۲-۸۹۳-۸۹۴-۸۹۵-۸۹۶-۸۹۷-۸۹۸-۸۹۹-۹۰۰-۹۰۱-۹۰۲-۹۰۳-۹۰۴-۹۰۵-۹۰۶-۹۰۷-۹۰۸-۹۰۹-۹۱۰-۹۱۱-۹۱۲-۹۱۳-۹۱۴-۹۱۵-۹۱۶-۹۱۷-۹۱۸-۹۱۹-۹۲۰-۹۲۱-۹۲۲-۹۲۳-۹۲۴-۹۲۵-۹۲۶-۹۲۷-۹۲۸-۹۲۹-۹۳۰-۹۳۱-۹۳۲-۹۳۳-۹۳۴-۹۳۵-۹۳۶-۹۳۷-۹۳۸-۹۳۹-۹۴۰-۹۴۱-۹۴۲-۹۴۳-۹۴۴-۹۴۵-۹۴۶-۹۴۷-۹۴۸-۹۴۹-۹۵۰-۹۵۱-۹۵۲-۹۵۳-۹۵۴-۹۵۵-۹۵۶-۹۵۷-۹۵۸-۹۵۹-۹۶۰-۹۶۱-۹۶۲-۹۶۳-۹۶۴-۹۶۵-۹۶۶-۹۶۷-۹۶۸-۹۶۹-۹۷۰-۹۷۱-۹۷۲-۹۷۳-۹۷۴-۹۷۵-۹۷۶-۹۷۷-۹۷۸-۹۷۹-۹۸۰-۹۸۱-۹۸۲-۹۸۳-۹۸۴-۹۸۵-۹۸۶-۹۸۷-۹۸۸-۹۸۹-۹۹۰-۹۹۱-۹۹۲-۹۹۳-۹۹۴-۹۹۵-۹۹۶-۹۹۷-۹۹۸-۹۹۹-۱۰۰۰

منابع و مأخذ

- ۱- قرآن کریم.
- ۲- ابن بابویه، محمد بن علی، من لایحضره الفقیه، تصحیح، غفاری، نشر صدوق، تهران، بی تا.
- ۳- اعتمادالسلطنه، محمدحسن، مرآه البلدان، ک عبدالحسین نوای و هاشم محدث، تهران، ۱۳۶۸ ش.
- ۴- انوری، حسن، فرهنگ سخن، انتشارات سخن، تهران، ۱۳۸۲ ش.
- ۵- بختیاری، محمد عزیز، شیعیان افغانستان، چ، ۱، شیعه، شناسی، ۱۳۸۵ ش.
- ۶- بدخشی یمگی، شاه عبدالله، ارمغان بدخشان، بنیاد موقوفات محمود افشار، تهران، ۱۳۸۵ ش.
- ۷- بلخی، محمد اسماعیل لیب، جشنواره نوروز از نظرگاه تاریخ و شریعت، کابل، ۱۳۶۸ ش.
- ۸- بلوک باشی، علی، نوروز جشن نورزایی آفرینش، تهران، ۱۳۸۰ ش.
- ۹- بنوال، محمد افضل، فلکور شناسی، انتشارات سعید، کابل، ۱۳۸۹ ش.
- ۱۰- بخشی، نبیله، جایگاه زن در جامعه افغانستان، ۱۳۹۴/۱۲/۱۸ ش.
- ۱۱- جمعی از پژوهشگران، شخصیت و حقوق زن در اسلام، مرکز جهانی علوم اسلامی، ۱۳۸۲ ش.
- ۱۲- جوادی آملی، عبدالله، مفاتیح الحیات، چ ۱۸۲، نشر اسراء قم، ۱۳۹۴ ش.
- ۱۳- جین شان تو، راهکارهای سلامت جامعه در سوره نور، پایان نامه ارشد، مجتمع امام خمینی، ۱۳۹۷ ش.
- ۱۴- حصاریان، سید اکران والدین، نوروز و بزرگداشت آن در بدخشان، انتشارات سعید، کابل، ۱۳۹۲ ش.
- ۱۵- خاوری، محمدتقی، مردم هزاره و خراسان بزرگ، چ ۱، نشر عرفان، ۱۳۸۵ ش.
- ۱۶- دهخدا، علی اکبر، لغت نامه دهخدا، دانشگاه تهران، ۱۳۴۱ ش.
- ۱۷- ذاکر زاده، امیرحسین، تاریخ و سرگذشت تهران قدیم، نشر قلم، چ ۱، تهران، ۱۳۷۳ ش.
- ۱۸- رضا، محسن، اصول حاکم بر سبک معاشرت اجتماعی از منظر روایات، پایان نامه ارشد، مجتمع آموزش عالی امام خمینی، ۱۳۹۴ ش.

- ۱۹- رضایی، محمد طاهر، بررسی آداب و رسوم ازدواج در مناطق شیعه‌نشین افغانستان از دیدگاه فقه شیعه، جامعه‌المصطفی مجتمع فقه، ۱۳۸۴ ش.
- ۲۰- رضی، هاشم، نوروز/ سوابق تاریخی تا به امروز، انتشارات بهجت، تهران، ۱۳۹۱.
- ۲۱- شارع پور، محمود، جامعه‌شناسی شهری، انتشارات سمت، تهران، چ ۲، ۱۳۸۶ ش.
- ۲۲- شریعتی‌فوکلائی، حسن، حکومت شیعی آل کیا در گیلان، نشر شیعه‌شناسی، قم، ۱۳۸۸ ش.
- ۲۳- طریحی، فخرالدین، مجمع‌البحرین، نشر دارو مکتبه‌الهیال، بیروت، ۱۹۸۵ م.
- ۲۴- عابدوف، داداجان، آداب، آیین‌ها و باورهای مردم افغانستان، مترجم بهرام میراحمدیان، چ ۱، نشرندای تاریخ، ۱۳۹۵ ش.
- ۲۵- عمید، حسن، فرهنگ فارسی، انتشارات امیرکبیر، تهران، چ ۳۶، ۱۳۷۸.
- ۲۶- عمید، حسین، فرهنگ فارسی عمید، نشر امیرکبیر، تهران، ۱۳۶۰ ش.
- ۲۷- قاضی‌زاده، احمد نبیل، فرهنگ عامیانه بدخشان، انتشارات قرطبه کابل، ۱۳۹۵ ش.
- ۲۸- قائمی، علی، اخلاق و معاشرت در اسلام، چ ۶، انتشارات امیری، ۱۳۷۵ ش.
- ۲۹- قطغان، محمدیار بن عرب، مصحح، نادره جلالی، تاریخ شیعیان، مرکز پژوهشی میراث مکتوب، تهران، ۱۳۸۵ ش.
- ۳۰- گردیزی، عبدالحی بن ضحاک، زین الاخبار، ناشر المجلس العلیا للثقافه، قاهره، ۲۰۰۶ م.
- ۳۱- لعلی، علی داد، سیری در هزاره‌جات، چ ۱، چاپ خانه اسماعیلان، ۱۳۷۲ ش.
- ۳۲- مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ ق.
- ۳۳- مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن‌الکریم، سازمان چاپ و انتشارات، تهران، ۱۳۷۴ ش.
- ۳۴- معزی، مریم، اسماعیلیه بدخشان، پژوهشکده تاریخ اسلام، چ ۱، تهران، ۱۳۹۵ ش.
- ۳۵- مهاجرنیا، محسن، فلسفه سیاسی آیت‌الله خامنه‌ای، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه، ۱۳۹۳ ش.
- ۳۶- موسوی بجنوردی، کاظم، دائره‌المعارف بزرگ اسلامی، مرکز دائره‌المعارف بزرگ اسلامی، تهران، ۱۳۷۴ ش.
- ۳۷- موسوی، سید محمدباقر، تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی در بدخشان افغانستان تا دوره معاصر، مجتمع آموزشی عالی تاریخ، سیره و تمدن اسلامی، ۱۳۹۹ ش.

۳۸- نجیبی، محمدعلی، فرهنگ آداب و رسوم شیعیان افغانستان در سده اخیر، مجتمع آموزش عالی فقه، ۱۳۸۹ ش.